

حوزه مفهومی رؤیت در قرآن کریم

نسیبه علمایی*

مهدی لطفی**

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۶

چکیده

نگاه خداوند نسبت به مخلوقات خود خصوصاً انسان و نگاه انسان به جنبه‌های مختلف و پیرامون خود، مفاهیم و تفاسیل گوناگونی دارد و علاوه بر آن نگاه بر کیفیت شناخت و احساسات تأثیر دوطرفه دارد. به عبارت دیگر نگاه هر شخصی بر نوع شکل‌گیری احساسات، عواطف و شناخت بشری نسبت به خود و محیط پیرامون‌اش اثر می‌گذارد و بر عکس این تأثیر دوسویه و دوطرفه است. مقاله حاضر ضمن بررسی واژه‌شناختی رؤیت در قرآن به تقسیم‌بندی‌های مختلف آن می‌پردازد و زوایای مختلف این مفهوم را در قرآن مورد تحقیق قرار می‌دهد.

کلیدواژگان: قرآن، رؤیت، نظر، رؤیت خدا، بصیرت.

مقدمه

انسان دارای چشم، گوش و دیگر ابزارهای شناختی است. یکی از ابزارهای بسیار مهم و اساسی شناخت، چشم است؛ چراکه به انسان کمک می‌کند تا پیرامون را ببیند و بشناسد. از آنجایی که این ابزار شناختی از ویژگی مطابقت میان ذهن و خارج برخوردار است. از مهم‌ترین ابزارها و ابتدایی‌ترین آن‌ها در شناخت حقایق و واقعیت‌های جهان به شمار می‌رود.

در قرآن کریم نگاه کردن و دیدن جزء حواسی ذکر شده که وسیله‌ای برای اندیشیدن درک کردن به شمار می‌رود. در روز قیامت به همراه بقیه اعضاء و جوارح انسانی مورد بازخواست قرار می‌گیرد:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾

(اسراء/ ۳۶)

موضوع رؤیت در قرآن از جنبه‌های مختلف اعتقادی و کلامی قابل بررسی است. بخش کلامی آن رؤیت خداوند در روز قیامت از مسائل مورد بحث در طول تاریخ بوده است اما بخش دیگر آن بررسی رؤیت در اشکال مختلف آن در قرآن است. بخشی از مفهوم رؤیت در قرآن با رؤیت با چشم است و بخش دیگر آن غیر مادی است که در دو شکل دیگر رؤیت نمود می‌یابد؛ و همچنین دسته‌های مختلفی برای رؤیت بر حسب مبدأ (ناظر و شاهد) و مقصد (منظر و مشهود) در قرآن وجود دارد که در این مقاله به تفصیل آن پرداخته می‌گردد. سؤالی که در نهایت در بستر این نوشتار می‌توان به آن دست یافت این است که به طور کلی اشکال و اقسام رؤیت و نظر در قرآن کریم شامل چه مواردی است؟ این مقاله ضمن بررسی واژه‌شناختی رؤیت در قرآن، به بررسی اقسام رؤیت در قرآن می‌پردازد تا به نظرگاه قرآنی درباره رؤیت دست یابد.

رؤیت عبد به خداوند (رؤیت خدا)

بسیاری از اندیشه‌وران اهل سنت بر این باورند که خداوند اگر در این جهان دیده نشود در عالم قیامت دیده خواهد شد! برخی از آنان در این رابطه گفته‌اند: «هذا مذاهب اهل السنة و العلم بالحديث؛ این عقیده اهل سنت و دانشمندان حدیث است» (رشید رضا،

بی تا: ج ۷/ ص ۶۵۳). در جایی دیگر رشید رضا به نقل از /حمد بن حنبل بیان کرده که وی به رؤیت خداوند در روز قیامت معتقد است و کسانی که مخالف این عقیده باشند را از حدود اسلام خارج دانسته است (همان، ج ۹: ۱۴۵). بعضی هم پیرامون رؤیت خداوند توسط حضرت موسی و بنی اسرائیل گفته‌اند: نه اینکه رؤیت خداوند ممکن نباشد، بلکه حضرت موسی توان دیدن خداوند را نداشت (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۳۶۹).

یکی دیگر از مفسران اهل سنت در این باره معتقد است که موسی (ع) برای این نتوانست خدا را ببیند؛ چون خداوند تبارک و تعالی وعده دیدار خویش را به مؤمنان در سرای آخرت داده است، نه در سرای دنیا. و موسی آنچه را درخواست کرده بود، پیش از وقت خواست، از آن جهت به آن نرسید، وگرنه دیدار خدای عزّ و جلّ مؤمنان را واجب است، منتها در جهان آخرت. چنان که پیامبر اسلام (ص) گفت: «خدا را می‌بینید همچنان که ماه را در شب چهاردهم می‌بینید. کسی که در شب چهاردهم ماه را ببیند یقین می‌داند که آن ماه است. همانگونه که مؤمنان نیز خدای عزّوجلّ را در آن جهان می‌بینند، یقین می‌دانند که آن خدای عزّ و جلّ است که مشاهده می‌کنند». پس چون موسی در دنیا دیدار خدا را خواست و هنوز حضرت محمّد (ص) در صلب پدران بود، از این جهت از دیدار محروم ماند، گفت نه، من وعده کرده‌ام که تا بنده من حضرت محمّد (ص) مرا نبیند هیچ کس دیگر مرا دیدار نکند، و وعده دیدار من در بهشت می‌باشد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۵۳۶ - ۵۳۷).

دیدن خداوند توسط مؤمنان در آخرت چیزی است که در احادیث صحاح از راه‌های متواتر از راویان احادیث به ما رسیده که به هیچ وجه دفع و منع‌اش ممکن نیست؛ چون /بوسعید و /بوهریره در روایت‌شان که صحیح است، نقل می‌کنند: گفته شد یا رسول الله آیا ما در روز قیامت خدا را می‌بینیم؟ حضرت فرمود: آیا در دیدن خورشید و ماه که در پشت ابر نباشند ضرر می‌بینید؟ گفتند: خیر. حضرت فرمود: شما هم این‌چنین خدا را می‌بینید (مراغی، بی تا، ج ۲۹: ۱۵۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۸: ۲۸۷).

بر این اساس بحث کلامی رؤیت خدا مورد اختلاف بین گروه‌های مختلف مانند اشاعره و کرامیه و مشبهه از یک طرف که به رؤیت خداوند قائل‌اند و از طرف دیگر عدلیه و معتزله با اعتقاد دسته اول به مبارزه پرداخته‌اند.

اشاعره برای اثبات ادعای خود به آیاتی چون:

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَتْنِي وَلَكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَتْنِي فَلَمَّا تَبَلَ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَنَكَ تُبَّتْ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الاعراف / ۱۴۳)

«و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم». فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید، لیکن به کوه بنگر پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید. پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود، آن را ریز ریز ساخت، و موسی بیهوش بر زمین افتاد، و چون به خود آمد، گفت: «تو منزهی! به درگاهات توبه کردم و من نخستین مؤمنانم»».

بنا به تفسیر اشاعره خداوند طبق این آیه توان آن را دارد که خود را بنمایاند و دیدن او با چشم امکان پذیر است، و آیه ۲۳ در سوره قیامت اشاره به نگرستن مؤمنان به چهره پرفروغ خداوند می کند و کلمه مزید را در آیه ۳۵ سوره ق به نظر خداوند تفسیر کرده اند (ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۲۸).

هم چنین در مورد آیه ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾ (انعام/ ۱۰۳) که دلالت بر عدم قدرت چشمان و دیدگان آدمی برای دیدن پروردگار دارد را این احتمال داده اند که دیدن خداوند در دنیا غیر ممکن است؛ ولی رؤیت خداوند در آخرت غیر محال و ممکن است زیرا دیدن او برترین لذت های آخرتی است که نصیب مؤمنان می گردد (ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۱۴، طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱: ۷۳-۷۵). البته موارد دیگری است این گروه به عنوان دلیل آورده اند ولی به این چند مورد در اینجا بسنده می شود. / مام فخر رازی در تفسیرش دلایلی از اصحاب اشعری مسلک نقل کرده است (فخر رازی، بی تا، ج ۱۳: ۱۳۱-۱۳۲).

شیخ محمد عبده زشتی این عقیده را دریافته و برای توجیه آن گفته مراد از این عقیده (دیدن با چشم) را شناخت کامل ذات الهی می داند (رشید رضا، بی تا، ج ۹: ۱۲۸). زمخشری با سرزنش این گروه که خود را مسلمان می دانند و در تأیید نظریه عدلیه می گوید: چه خوب گفته اند اهل عدل و تنزیه، آنان آیه ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (شوری/ ۱۱) را قاعده فراگیر در تحلیل الهیات توحیدی شمرده اند. آنان خدا را مجرد از ماده می دانند و

با اعتقاد اشاعره و مذهب‌های دنباله‌رو به مناقشه و مبارزه برخاستند (با اندکی تغییرات؛ زمخشری، ۱۳۸۵ق: ج ۲: ۱۵۶). اعتقاد به نگاه خدا به بنده تأثیری بر ترک گناه می‌گذارد؛ از این رو/امام صادق(ع) بر خوف و ترس از خدا که محصول تفکر این است که خداوند بنده‌اش را می‌بیند، تصریح می‌فرماید و اعتقاد به عدم نگاه خدا به بنده را مساوی با کفرورزیدن قلمداد می‌نماید (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: ۶۷).

بنابراین دیدن خداوند سبحان با چشم توسط بنده نه در این دنیا و نه در آخرت ممکن نیست و نظر به خداوند در مورد توقع، امید داشتن به محبت، عنایت، عفو و بخشش خداوند است.

رؤیت ظاهری انسان به پیرامون خود

خداوند دستور «سیر در زمین» را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌دهد:

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ﴾
(الروم/ ۴۲)

«بگو شما در روی زمین به گردش بپردازید (حال امت‌های پیشین را جست‌وجو کنید، و اعمال و سرنوشت آن‌ها را مورد بررسی قرار دهید) ببینید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند به کجا رسید؟»

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ (النمل/ ۶۹)

دیدن در این دو آیه به معنی عبرت گرفتن است. چشم وسیله‌ای برای عبرت گرفتن است.

یکی از راه‌های شناخت و معرفت به خداوند متعال مشاهده آیات و نگاه کردن به نعمت‌های الهی و محیط پیرامون و جهان هستی است که در قرآن به این دلیل روشن نیز اشاره شده؛ چنانچه در سوره‌ای دیگر آمده:

﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ﴾ (الذاریات/ ۲۰)

این آیه اشاره به عجائب و نشانه‌های روشنی که در زمین هست، و بر یکتایی تدبیر دلالت می‌کند، و معلوم است که یکتایی تدبیر، قائم به یکتایی مدبر است. پس مدبر در خشکی، دریا، کوه‌ها، چشمه‌ها، نهرها، معادن و منافع که دارند یکی است، منافی که

به یکدیگر متصل و به نحوی با هم سازگارند، که منافعی که موجودات جاندار، از نبات و حیوان گرفته (تا انسان) از آن بهره‌مند می‌شوند، نظامی که همچنان ادامه دارد و به صرف تصادف و اتفاق پدید نیامده، و آثار قدرت و علم و حکمت از سرپایش هویداست، و می‌فهماند که خلقت و تدبیر امرش منتهی به خالق است مدبر و قادر و علیم و حکیم (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۳۷۳). بنابراین انسان به هر سو از جوانب عالم که توجه کند، و به هر حیث از جهات تدبیر عام جاری در آن روی آورد، می‌بیند آیتی است روشن و برهانی است قاطع بر وحدانیت رب آن، و اینکه رب عالم شریکی ندارد. برهانی که در آن حق و حقیقت برای اهل یقین جلوه می‌کند، پس در این عالم آیاتی برای اهل یقین است.

رؤیت ظاهری و تاملی انسان به خویش

نگاه انسان به خدا در قرآن کریم خود اقسامی دارد؛

۱. نگاه به خود؛ خودشناسی: نگاه به خود همان خودشناسی است و آن اصل و اساسی برای خداشناسی است. در آیه «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (الذاریات/ ۲۱) یعنی در انفس خود شما آیات روشنی است برای کسی که آن را ببیند و به نظر دقت در آن بنگرد، آیا نمی‌بینید؟! و آیات و نشانه‌هایی که در نفوس خود بشر هست چند جور است. یک عده آیات موجود در خلقت انسان مربوط به طرز ترکیب‌بندی اعضای بدن، و قسمت‌های مختلف اجزای آن اعضا است، تا برسد به عناصر بسیط آن. و نیز آیاتی در افعال و آثار آن اعضا است که در همه آن اجزا با همه کثرت‌اش اتحاد دارد، و در عین اتحادش احوال مختلفی در بدن پدید می‌آورد. بدن انسان یک روز جنین است، روز دیگر طفل، یک روز نارس، و روزی دیگر جوان، و روز آخر پیر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸: ۳۷۳). روایت معروف از پیامبر اکرم (ص) منقول است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ هر کسی خود را بشناسد خدا را می‌شناسد. (مجلسی، ۱۱۱۱، ج ۲: ۲۶). در قرآن علاوه بر این آیاتی چون:

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ * يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾

(طارق/ ۵-۷)

خداوند به انسان دستور می‌دهد که انسان به ابتدا و چگونگی خلقت‌اش از آب جهنده نظر کند و به قدرت و عظمت الهی ببرند؛ سپس از این بیان نتیجه‌گیری نموده که کسی که انسان را در آغاز از آب نطفه آفرید قادر است که او را بار دیگر به زندگی بازگرداند ﴿إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ﴾ (طارق/۸).

ب. رؤیت انسان به طعام خود: قرآن نظر و مطالعه انسان را پیرامون طعامی که می‌خورد و با آن سد رمق می‌کند و بقای خود را تضمین می‌نماید لازم می‌داند: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ﴾ (عبس/۲۴). با اینکه نعمت طعام یکی از میلیون‌ها نعمتی است که تدبیر ربوبی آن‌ها را برای رفع حوائج بشر در زندگی‌اش فراهم کرده- و دستور می‌دهد اگر در همین یک نعمت مطالعه کند، سعه تدبیر ربوبی را مشاهده خواهد کرد، تدبیری که عقل‌اش را متحیر و مبهور خواهد کرد، آن وقت خواهد فهمید که خدای تعالی چقدر نسبت به صلاح حال انسان و استقامت امر او عنایت دارد، آن هم چه عنایتی دقیق و محیط، و مراد از انسان عموم انسان‌ها است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۲۰۸).

در روایتی دیگر از امام باقر (ع) آمده: منظور از طعام در این است که انسان بنگرد و توجه کند که از چه کسی علم دریافت می‌کند آیا مورد اعتماد است یا خیر؟ «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ قَالَ قُلْتُ مَا طَعَامُهُ قَالَ عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ مِمَّنْ يَأْخُذُهُ» (مجلسی، ۱۱۱۱، ج ۲: ۸۱). بر این اساس این نوع رؤیت در قرآن هم رؤیت ظاهری محسوب می‌شود و هم رؤیت تاملی و تعقلی.

نگاه انسان به بی‌نیازی خود

یکی از نگاه‌هایی که در قرآن کریم مذمت شده این است که انسان خود را بی‌نیاز و مستغنی از خداوند بداند که تأثیر منفی در روحیه و خلیات وی می‌گذارد و از فرمان خدا طغیان و سرپیچی می‌کند. در سوره علق آمده:

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ * أَن رَّءَاهُ اسْتَعْصَمَ﴾ (علق / ۶ - ۷)

کلمه «رآه» از مصدر رأی است، نه مصدر رؤیت، یعنی دیدن به چشم.

فاعل «رآه» و نیز مفعول‌اش همان انسان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۳۲۵). طبیعت کسانی است که در مکتب عقل و وحی پرورش نیافته‌اند که وقتی خود را

مستغنی می‌پندارند، شروع به سرکشی و طغیان می‌کنند. نه خدا را بنده‌اند، نه احکام او را به رسمیت می‌شناسند، نه به ندای و جدان گوش فرا می‌دهند، و نه حق و عدالت را رعایت می‌کنند.

نظر انسان به اعمال خود

روز قیامت، روزی است که انسان اعمال خود را حاضر می‌بیند و منتظر جزای آن است:

﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾
(النبا/ ۴۰)

یعنی روزی که انسان منتظر دیدن جزای اعمالی است که در زندگی دنیا انجام داده، و از پیش فرستاده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۷۶)؛ معنایش این است که در آن روز انسان به اعمال خود نظر می‌کند، چون همه اعمال خود را نزد خود حاضر می‌بیند همچنان که در جای دیگر همین مطلب را خاطرنشان نموده:

﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ﴾ (آل عمران/ ۳۰)

رؤیت ظاهری و تأملی بشر به انسان‌های دیگر

در قرآن به کیفیت نگاه انسان‌ها به هم‌نوع خود اشاره می‌نماید و به آن‌ها در این مقوله پرداخته می‌گردد؛

أ: مثبت نگری به رفتارهای دیگران

آدمی همواره نسبت به کارهای خود خوش‌بین است و با توجه به نیت و آگاهی از خود به آسانی با رفتارها و کردارهایش کنار می‌آید. اگر اصل توجیه‌گری و عذرتراشی را نادیده بگیریم که هرکسی می‌کوشد رفتار ناهنجار خویش را توجیه کند، شخص، خود را متهم نمی‌سازد و هیچ گمان بد به خود نمی‌برد. اما هنگامی که به دیگری می‌رسد این نگرش به کلی متفاوت می‌شود. هر کار دیگری با هزاران اما و اگر روبه‌رو می‌شود و او به آسانی درستی کار دیگران را نمی‌پذیرد. با آنکه بسیار گفته و شنیده است که آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران می‌پسند؛ ولی در مقام عمل به این دستور واقعی نمی‌نهد و

گوش دل بدان نمی‌سپارد. در آموزه‌های وحیانی که بر پایه فطرت سالم قرار داده شده است به این مسأله از زوایای مختلف و ابعاد متنوع آن پرداخته شده است. از این رو قاعده‌ای در آموزه‌های وحیانی اسلام پدیدار شده که به اصل صحت یا حمل بر صحت شهرت یافته است. اصل صحت در حوزه قانونگذاری و حقوق فردی و اجتماعی مورد توجه قانونگذار اسلامی بوده است.

چنانکه در حوزه اخلاق و هنجارهای شخصی و اجتماعی نیز به عنوان اصل حاکم مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

در برخی از آیات بدون اینکه لفظ‌های نظر و بصر و ... که به معنی نگاه و نگرستن باشد به مسأله مثبت‌نگری تأکید می‌فرماید؛ مثلاً:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾ (حجرات / ۱۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گمان بسیار پرهیز کنید، زیرا برخی از گمان‌ها گناه هستند».

در این آیه سخن از گمان بد نکردن درباره دیگری است و هرچند که گمان یکی از حالات چهارگانه یقین و گمان و شک و وهم است، که به طور غیر اختیاری بر انسان عارض می‌شود و نمی‌تواند مورد امر و نهی قرار گیرد ولی مراد آن است که انسان آثار گمان را نباید بر آن بار کند و به چنین گمانی ترتیب اثر دهد و به گمان بدی که در حق دیگران می‌کند اعتنایی کند.

بنابراین اگر گمانی بد در دل وی خطور کرد اشکالی ندارد ولی نباید بدان توجه کند و آثارش را بر آن مترتب سازد. در روایات آمده است که یکی از چیزهایی که برای مؤمن نیکوست و راه خلاصی آن را دارد سوءظن است که راه رهایی از آن بی‌توجهی و جامه عمل نپوشاندن به آن است (حرعاملی، ۱۱۰۴، ج ۸: ۲۶۳).

هدف از این کار آن است که آبروی مؤمن حفظ شود؛ زیرا مؤمن در پیشگاه خداوند از منزلت و جایگاه والا برخوردار است و آبروی او از جمله سه‌گانه‌هایی است که نمی‌توان متعرض آن شد، مؤمن جان و مال و عرض‌اش در امان است و آبرو و حفظ آن یکی از مهم‌ترین مسایلی است که نمی‌توان آن را بی‌ارزش کرد و با تعرض به آن شخص را به خطر انداخت.

نگاه به بازخورد دیگران

در مورد این نوع نگاه لازم به توضیح است که این نحو نگاه یک بررسی لازم است که در هر شخصی در برقراری ارتباطش با دیگران بایستی به خوبی بسنجد و در برابر عکس‌العمل و بازخورد دیگران رفتار متناسب با رفتار آن‌ها را انجام دهد. قرآن کریم در مورد این نگاه نسبت به دیگران اشاره شده است. در قرآن مجید آمده:

﴿وَلِئَلَّی مُرْسَلَةٌ إِلَیْهِمْ بِهَدِیَّةٍ فَنَظَرُوا بِمَیْرَجِ الْمُرْسَلُونَ﴾ (النمل / ۳۵)

ملکه سبا بعد از دریافت نامه ارسالی از طرف حضرت سلیمان به این نتیجه می‌رسد که هدیه‌ای به سوی او بفرستد و منتظر شود ببیند این هدیه مورد قبول ایشان واقع می‌شود یا نه؟ بلقیس می‌دانست که هدایا در روح زمامداران اثر فراوان دارد. به این وسیله می‌خواست بداند آیا سلیمان پیامبر است یا پادشاه؟ اگر پیامبر است هدیه را نمی‌پذیرد و اگر ملک است هدیه را می‌پذیرد.

رؤیت ظاهری به دیگران

در قرآن نگاه معمولی و ساده به دیگران هم استعمال شده؛ مانند «ترائی» دیدن یکدیگر است مانند:

﴿فَلَمَّا تَرَاءَ الْجُمُعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾ (شعراء/۶)

«چون دو جمع (فرعونیان و یاران موسی) یکدیگر را دیدند اصحاب موسی گفتند: ما گرفتارشدگان ایم».

مضاف بر اقسام فوق در تقسیمات دیگری در حوزه مفهومی رؤیت و فرهنگ نگاه کردن در قرآن می‌توان به جنبه مثبت و منفی، و حلال و حرام آن هم پرداخت که بعد اخلاقی و فقهی مبحث رؤیت در قرآن است که کل آن در این مقال نمی‌گنجد و تنها به صورت گذرا اشاره می‌گردد؛ برای نمونه می‌توان به نگاه خیره زن یا مرد به نامحرم ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ یَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ (نور/۳۰) و ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ﴾ (نور/۳۱) اشاره کرد.

نگاه بیانگر احساسات درونی

روانشناسان معتقدند تمام حرکاتی که با بدن انجام داده می‌شود مثلاً حرکات بدن، تکان دادن سر، حالت‌های چهره، نگاه‌ها و وضعیت بدن، بیانگر احساسات، افکار اشخاص و تقویت و تأکید کلمات است. حرکات بدن دارای کارکردهای دادن اطلاعات، تنظیم تعامل، ابراز حالات عاطفی، کنترل اجتماعی و تسهیل اهداف است (اون هارجی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۵). نگاه کردن و تماس چشمی یکی از این کارکردهایی است که در ارتباط غیر کلامی نقش بسزایی دارد. بر این اساس قرآن نیز به رابطه نگاه خیره با احساسات درونی تصریح دارد که آیه:

﴿رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُظْطَرُّونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ﴾ (محمد/

(۲۰)

مراد از «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» مؤمنینی هستند که ایمان‌شان ضعیف است و معنای جمله «الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ» کسی است که در سكرات مرگ قرار گرفته و «غشی علی فلان»، معنایش این است که فلانی در اثر عارضه‌ای فهمش از کار افتاد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۲۳۹)، و نگاه بدون پلک زدن یعنی همان نگاه خیره است، البته نگاه خیره فقط به معنی اظهار تنفر، ترس و نگرانی نیست بلکه به معنی عشق، محبت و نوع تأکید عملی فرد بر سخنان خود و دیگران است. بر این اساس نگاه خیره بدون پلک زدن نشانگر ترس و نگرانی است.

شایان ذکر است که قرآن کسانی را که دید درست و صحیحی به حقیقت ندارند را سرزنش نموده و آنان را کور در این دنیا و کورتر در آخرت به حساب می‌آورد:

﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (الاسراء/ ۷۲)

اضافه بر تقسیم‌بندی‌های پیش‌گفته می‌توان طبقه‌بندی نوینی ارائه نمود. قبلاً در پژوهش حاضر بیان شد که اشعری کاربرد نظر در لغت عرب را به سه گونه تقسیم کرده است: ۱. نظر اعتبار، عبرت جستن (الغاشیه/ ۱۷)؛ ۲. نظر انتظار کشیدن (یس/ ۴۹)؛ ۳. دیدن با چشم، وی آیه ۲۳ قیامت را به طور نادرست جز این دسته قرار داده و جواز رؤیت خداوند را با چشم سخن خدا خطاب به موسی می‌آورد (معرفت، ۱۳۹۲، ج ۳: ۱۱۶-۱۱۸) که بیان آن گذشت.

اکنون در ادامه تقسیم‌بندی می‌توان موارد زیر را نیز گنجانند.

۱. رؤیت ظاهری یا رؤیت با چشم

دیدن با چشم مانند آیه:

﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي﴾ (انعام / ۷۶)

یعنی چون شب او را فرا گرفت ستاره‌ای دید گفت: این پروردگار من است، و هم‌چنین آیه:

﴿يَرَوْنَهُمْ مِّثْلَهُمْ رَأَىٰ الْعَيْنِ﴾ (آل عمران / ۱۳)

دلاله بر رؤیت حسی یا ظاهری دارد (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۷۰۹) و نیز فیض کاشانی منظور از این رؤیت را "رؤية ظاهرة معينة" بیان کرده (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۲۱).

۲. رؤیت قلبی یا رؤیت با دل

رؤیت قلبی رؤیتی است که باعث بروز معرفت و بصیرت شخص می‌شود. معرفت همان بینایی دل و قلب است مثل:

﴿وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ﴾ (نحل / ۷۸)

﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا﴾ (یوسف / ۱۰۸)

و هم‌چنین رؤیت و دیدی که مفهوم توقع داشتن و امید داشتن را به خداوند متعال و رحیم را مضمول می‌گردد مانند:

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ ۖ إِلَىٰ رَبِّهَانَا ظِرَّةٌ﴾ (القیامت / ۲۲-۲۳)

این نوع دید در مورد بندگان خدا نسبت به رحمت و لطف و عفو اوست؛ نمونه دیگر رؤیت قلبی در قرآن به معنی رحمت و مراعات حال است، مثل:

﴿لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا﴾ (بقره / ۱۰۴)

۳. رؤیت تاملی یا رؤیت با فکر و اندیشه

رؤیت و نگاه به معنی علم و دانستن که همان ابزار شناختی و معرفتی است در قرآن کریم فراوان آمده نظیر آیات:

﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ
الْحَمِيدِ﴾ (سبا/ ۶)

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا...﴾ (انبیاء/ ۳۰)

مراد از «رؤیت» علم فکری است و اگر آن را رؤیت نامیده به خاطر این است که علم فکری در هر امری آن را مانند رؤیت محسوس می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۲۷۷).

عبرت گرفتن

عبرت از عبر بر وزن فلس؛ اصل عبر گذشتن از حالی به حالی است، اما عبور مخصوص است به گذشتن از آب خواه به وسیله شنا باشد یا کشتی یا پل یا حیوانی. عبره به فتح اول به معنی اشک چشم از آن مشتق است. عبارت کلامی است که در هوا عبور کرده از زبان گوینده به گوش سامع می‌رسد (قرشی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۸۴).

اعتبار و عبره حالتی است که از معرفت محسوس به معرفت غیر محسوس رسیده می‌شود. تعبیر مخصوص به خواب است که آن را از ظاهر به باطن‌اش عبور می‌دهد (راغب، ۱۴۱۲: ۵۴۳). مانند آیه‌های ﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ (حشر/ ۲) و ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (آل عمران/ ۱۳).

عبرت گرفتن یکی از آثار رؤیت تأملی است که از شاخه‌های بصیرت است.

رؤیت تجسمی

از مواردی دیگر که منظور از رؤیت در قرآن، دیدن با چشم نیست و مراد از آن، تصور و تجسم کردن واقعیت‌ها و اتفاقات است مانند آیه:

﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ
بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ (النمل/ ۸۸)

سیاق این آیه شریفه مربوط به قیامت است، و پاره‌ای از وقایع آن روز را توصیف می‌کند، که عبارت است از به راه افتادن کوه‌ها؛ درباره این قضیه در جای دیگر قرآن فرموده: ﴿وَسَيَّرَتِ الْجِبَالَ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ (نبأ/ ۲۰)؛ کوه‌ها به راه افتادند و در آخر سراب می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۴۰۱).

در رؤیت تجسمی بحث تجسم اعمال در قرآن نیز مطرح می شود. مقصود از تجسم یا تمثیل این است که آنچه را انسان در این جهان انجام داده در جهان دیگر به صورتی متناسب با آن جهان نمودار گردد و عین عمل در برابر او حضور پیدا کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۴۳)، آیاتی در قرآن حاکی از تجسم اعمال است مانند:

﴿يَوْمَئِذٍ يُصْدِرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لَّيْرُوا أَعْمَلَهُمْ﴾ ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾

در روز قیامت مردم به صورت گروه های مختلف از قبر خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. پس هر کس به اندازه سنگینی ذره ای کار خیر انجام داده آن را می بیند، و هر کس به اندازه سنگینی ذره ای کار بد انجام داده باشد آن را می بیند (الزلزلة / ۶-۸). طبرسی در ذیل این آیه مفهوم این رؤیت را یا رؤیت قلبی (معرفت و شناسایی بسبب اعمال) یا رؤیت با چشم به معنای اینکه تا پرونده های اعمال خودشان را ببینند بیان کرده است (طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱۰: ۷۹۹).

بنابراین در قرآن کریم در بین کلمات نظر، بصر، طرف، رای؛ کلمه رای و مشتقاتش بیش تر در مورد مفهوم رؤیت تجسمی استعمال شده است. فرق بین رؤیت تأملی با رؤیت تجسمی در آن است که به وسیله رؤیت تأملی علم و آگاهی حاصل می شود ولی محصول تجسم و تصور به طور قطع علم نیست؛ می تواند از ثمره آن خیال و توهم هم باشد. در رؤیت تجسمی دیدن حقیقت در اصل با چشم نیست. در حقیقت به نظر رسیدن و به نظر آمدن واقعه ای یا حادثه ای نزد شخص است.

با بررسی لغوی و تفسیری بر الفاظ نظر، رای و بصر این نتیجه حاصل شد که حوزه مفهومی هر سه لغت در مورد دیدن و رؤیت تأملی (نگاه با دقت و تأمل) است و کاربرد نظر بیش تر در انتظار داشتن است که بقیه این کاربرد معنایی را ندارند، و دو لفظ رای و بصر هر دو در عبرت گرفتن استعمال می شود و بکارگیری لفظ بصر بیش تر در مورد رؤیت قلبی و معرفت است. در قرآن کریم علاوه بر اینکه رای در مواردی همچون دیدن با چشم، نگاه با عبرت و رؤیت تأملی به کار رفته است در مورد رؤیت تجسمی نیز به کار گرفته شده است.

۴. رؤیت خواب

سؤالی که در مورد رؤیت خواب در ذهن شکل می‌گیرد آن است که خواب دیدن با چه رؤیتی از این چهار نوع از انواع مطرح شده در این مقاله است؟ قرآن مجید در سوره زمر دقیق‌ترین تفسیر را برای مسأله خواب بیان کرده، زیرا می‌گوید خواب نوعی «قبض روح» و جدایی روح از جسم است اما نه جدایی کامل، در آیه ۴۲ سوره زمر حقیقت و ماهیت خواب اینگونه بیان می‌شود:

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا﴾

«خداست که در هنگام خواب جان‌ها را می‌گیرد و آن کسی که در هنگام خواب مرگاش فرا نرسیده نیز روح‌اش را می‌گیرد».

به این ترتیب هنگامی که به فرمان خدا پرتو روح از بدن برچیده می‌شود و جز شعاع کمرنگی از آن بر این جسم نمی‌تابد، دستگاه درک و شعور از کار می‌افتد، و انسان از حس حرکت باز می‌ماند هر چند قسمتی از فعالیت‌هایی که برای ادامه حیات او ضرورت دارد، مانند ضربان قلب و گردش خون و فعالیت دستگاه تنفس و تغذیه ادامه می‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۹: ۴۷۷).

بر این اساس نمی‌توان گفت که خواب دیدن با رؤیت ظاهری که به وسیله چشم سر صورت می‌گیرد، است بلکه بخشی از رؤیادیدن با رؤیت قلبی صورت می‌گیرد که به آن رؤیای صادقانه گفته می‌شود.

نتیجه بحث

با بررسی آیات محصل پژوهش حاضر این است:

۱- واژه‌های رأی، بصر، بصیر، نظر و طرف در حوزه مفهومی رؤیت در قرآن کریم قرار گرفته‌اند.

۲- رؤیت در قرآن بر اساس مبدأ و مقصد به اقسامی همچون نگاه و نظر خداوند نسبت به بندگان، نگاه بندگان نسبت به خدا، نظر بنده نسبت به جهان هستی و پیرامون خود، نگاه انسان به خود و نگاه انسان به هم‌نوع خود یعنی انسان‌های دیگر تقسیم می‌شود. نگاه خداوند نسبت به بنده بر ناظر بودن او بر رفتار انسان و افاضه رحمت و

نعمت دلالت دارد و محبت و بخششی که به هر کسی که خدا بخواهد عطا می‌گردد با واژه‌های عین و شهید بیان شده است.

۳- رؤیت عبد به خداوند که این دیدن با چشم توسط بنده نه در این دنیا و نه در آخرت ممکن نیست و مفهوم نظر بنده به خداوند بر معنی توقع و امید داشتن به محبت و عنایت و عفو و بخشش خداوند دلالت دارند. مشاهده و رؤیت خداوند از راه شهود و قلب به وسیله سیر در آفاق و انفس که آیات الهی است حاصل می‌شود.

۴- نگاه حق تعالی نسبت به مخلوقات خود خصوصاً انسان و نگاه انسان به جنبه‌های مختلف و پیرامون خود، مفاهیم و تفاسیل گوناگونی دارد و علاوه بر آن نگاه بر کیفیت شناخت و احساسات تأثیر دوطرفه دارد؛ به عبارت دیگر نگاه هر شخصی بر نوع شکل‌گیری احساسات و عواطف و شناخت بشری نسبت به خود و محیط پیرامون‌اش می‌گذارد و بر عکس این تأثیر دوسویه و دوطرفه است.

۵- رؤیت ظاهری انسان به پیرامون خود یکی از راه‌های شناخت و معرفت به خداوند متعال مشاهده آیات و نگاه کردن به نعمت‌های الهی و محیط پیرامون و جهان هستی است. رؤیت ظاهری و تأملی انسان به خویش نیز به اقسام مختلف نگاه به خود، خودشناسی، رؤیت انسان به طعام خود، نگاه مستکبرانه انسان از سر بی‌نیازی، نظر به فکر و عقیده، نظر انسان به اعمال خود تقسیم می‌شود.

۶- در قرآن به کیفیت نگاه انسان‌ها به هم‌نوع خود اشاره شده است که می‌توان به مثبت‌نگری به رفتارهای دیگران و نگاه به بازخورد دیگران اشاره کرد.

۷- از جهت دیگری مفهوم رؤیت در قرآن را می‌توان در چهار دسته ۱- رؤیت حسی یا رؤیت ظاهری یا رؤیت با چشم؛ ۲- رؤیت قلبی یا رؤیت با دل؛ ۳- رؤیت با فکر و اندیشه و ۴- رؤیت تجسمی دسته‌بندی کرد.

۸- رؤا دیدن با سه گونه رؤیت قلبی (رؤیای صادقانه)، رؤیت تأملی (مولود فکر انسان)، و رؤیت تجسمی که بخشی از آن توهم (خواب‌های شیطانی) است.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. ۱۴۱۲ق، تفسیر القرآن العظیم، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۴ق، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: انتشارات آل البيت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم.
- رشید رضا، محمد. بی تا، تفسیر المنار، چاپ دوم، بیروت: دار المعرفة.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه. ۱۳۷۴ش، الأمالی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طبرسی، احمد بن علی بن أبی طالب. ۱۳۸۶ش، احتجاج، نجف اشرف: دار النعمان.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۰۸ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- عبده، محمد. بی تا، تفسیر المنار، تألیف محمد رشید رضا، بیروت: دار المعرفة.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۱۱۱ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار، بی جا: انتشارات اسلامیة.
- معرفت، محمدهادی. ۱۳۹۲ش، التمهید فی علوم القرآن، ترجمه حسن خرقانی، بی جا: بی نا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.